

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده علوم انسانی
گروه الهیات

پایان نامه
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد
رشته علوم قرآن و حدیث

عنوان:

« بررسی روایات قرائات ائمه (ع) »

استاد راهنما:

دکتر پرویز رستگار جزی

استاد مشاور:

دکتر حسین ستار

توسط:

رضوان سادات الحسینی

اردیبهشت ماه ۱۳۹۳



دانشگاه کاشان
دانشکده علوم انسانی

بسمه تعالی

تاریخ: ۱۳۹۳/۲/۲۸
شماره: ۱۳۸۴۷۱۲
پوست:

مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه
صورتجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

نام و نام خانوادگی دانشجوی: رضوان سادات السادات الحسینی شماره دانشجویی: ۹۰۱۲۵۹۶۰۰۸
رشته: علوم قرآن و حدیث دانشکده: علوم انسانی
عنوان پایان نامه: بررسی روایات قرائات اتمه (ع)
تعداد واحد پایان نامه: ۴ واحد تاریخ دفاع: ۱۳۹۳/۲/۲۸

این پایان نامه به مدیریت تحصیلات تکمیلی به منظور بخشی از فعالیتهای تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد ارائه می گردد. دفاع از پایان نامه در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۲۸ مورد تأیید و ارزیابی اعضای هیأت داوران قرار گرفت و با نمره $\frac{2}{5}$ به حروف بسی و با درجه عالی به تصویب رسید. اعضای هیأت داوران:

عنوان	نام و نام خانوادگی	مرتبه علمی	امضاء
۱. استاد راهنما	دکتر پرویز رستگار جزی	دانشیار	
۲. استاد مشاور	حسین ستار	مربی	
۳. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر محسن قاسمپور	دانشیار	
۴. متخصص و صاحب نظر دانشگاه	دکتر حمیدرضا فهیمی تبار	استادیار	
۵. نماینده تحصیلات تکمیلی	دکتر محسن قاسمپور	دانشیار	

دکتر محمد رضا منصورنیا
مدیریت تحصیلات تکمیلی دانشگاه

آدرس: کاشان - بلوار قطب روانی
کد پستی: ۵۱۱۶۷-۸۷۳۱۷
تلفن: ۵۱۱۲۷۲۷ - ۵۱۱۲۷۷۷
<http://www.kashanu.ac.ir>

این قطره باران پیشکش به:

پیشوای مهرکیشتم، عصاه عصر، صبح تم ستیز...

غایبی که به دیده ما غریب است و به قلب ما قریب...

الهادیده ما را به مهر خمار «مهدی» روشنا و دل ما را به وصالش آرامی بخش...

که خود بشارت داده ای:

«يَعْبُدِي هَذَا السَّعِيدُ أَفُكُّ عَنْ عِبَادِي الْإِغْلَالَ، وَ أَضَحُّ
عَنْهُمْ الْأَصَارَ، وَ أَمَلُّ الْأَرْضَ حَنَانًا وَ رَأْفَةً وَ عَدْلًا، كَمَا مَلَيْتُ
مِنْ قَبْلِهِ قَسْوَةً وَ شِقْوَةً وَ جَوْرًا»

یاد و سپاس

از رهلندر خاک سرکوی شما بود

هر ناله که در دست نسیم سحر افتاد

سپاس از پدرم... پناه در دوازه های روزگارم، او که صدایش نوای بندگی عارفانه و سروش پارسایی خالصانه را در جانم
طنین اندازده است؛ از آغازین بهار بودن تا تمام فصل های شکستن و بالیدن، از خرمن خوبی هایش خوشه چیده و خواهم
چید.

سپاس از مادرم... سنگ صبورم که بردستان مهر پرور معجزه گرش غنودم، تا حرف حرف درس پرندگی را در بال های
بی بار و بی جانم زمزمه کند؛ او که نفس ارغنون ایمان می نوازد و چشانش باران آینه می تراود، همو که واژه ای گویاتر از «
مادر» در وصف زیبایی سادگی و والایی افتادگی اش نمی یابم.

سپاس از همسرم... هم آوایم در ترنم ترانه های پر تاب و تب شیدایی، هم سفرم در گذر از شاهره های فراخ و کوره-
راه های زیر و بم دار زندگی، و هم وثاقم که سخط سخط مشتت های حاصل از تحصیل را پا به پایم فداکارانه و مشفقانه تاب آورد و
نتی نهاده.

سپاس از فرزندم... تداعی کر مضموم زیستن، تبلور طراوت و تازگی، تکرار طیش و شور و شغف، به بوی هر چه گل، به
پاکی هر چه برک، در یکدانه ام که با سخاوت بجزد و زلال نگاه کودکانه او، واج قهه سادگی و صداقت معنای پذیرد؛ هدیه بی
مانندیشوای مرا آیم علی بن موسی الرضا (ع)... «علیرضا».

پاس از اساتید...

اگر این نوشته را نضلت یکی یاراید که آن را در خیل پژوهش‌های استوار و محققانه قرار دهد، همه برآیند روشن-
اندیشی و مرمون رهنمون‌های عالمانه استاد بزرگوارم، جناب آقای «دکتر سنگار» است که در مکتب حقایق، گل توفیق
بوسیده و نغمه‌ای از آن را بی‌دینغ، بر شاکردان خود، نموده‌اند؛ از مهربان‌هایم رستگاری جاویدشان را می‌خواهم.

همچنانکه نهایت پاس و ارادتم را پیشکش استاد دل‌سوزم، جناب آقای «دکتر ستار» می‌نمایم که مشاوره‌ها و رهنمودهای
روشنگر و گرانبارشان، توشه‌ی راهم در مسیر پرپیچ و خم این پژوهش بوده است.

پاس از اساتید داور...

و در پایان پاس از جناب آقای «دکتر قاسم‌پور» و جناب آقای «دکتر فیهی‌تبار» که فزونی‌ها و کاستی‌ها، کزیمی‌ها و
راستی‌ها و سبزو سستی‌های سطر سطر این رساله را موشکافانه اما دگرانه به داور می‌نشته و نگارنده ناچیز را به کم‌تجربگی و کم‌توانی
خود بیش از پیش آگاه ساختند.

چکیده

با آن که قرآن سیمای خود را در آینه دیده و دل بشریت، تصویر یک منادی وحدت و پیوندبخش جامعه انسانی فرا می‌نماید، حاشیه‌هایی پر چون و چرا از پارینه‌ترین روزگار از سوی مسلمانان، سایه سخت سنگین خود را بر این کتاب آسمانی افکنده که یکی از آن‌ها، فراوانی و گوناگونی قرائات و اختلاف آن‌ها است. این پدیده ناخجسته در درازنای تاریخ، مباحثی تلخ و تند را در پی آورد و به گسستگی و درگیری مسلمانان انجامید؛ گسستگی‌ای که با پیوستگی و توحید کلمه‌ای که قرآن و اسلام به ارمغان آوردند، باورناپذیر و نابرتافتنی می‌نماید؛ اما آنچه پژوهشگر را بیش از باورناپذیری اختلاف قرائات و نیز وفور قاریان، در شگفت می‌کند، پادرمیانی ظاهری و دور از انتظار روایات برخی از پیشوایان شیعه (ع) - به ویژه شش پیشوای نخست - لابه‌لای روایات قرائی است که چه با روح حاکم بر قرآن و چه با رویکرد ائمه (ع) همخوانی ندارد.

ولی نگاهی ژرف‌تر به جلوه وحدت‌آفرین قرآن در معرفی‌هایی که خود از خود و ائمه (ع) از آن دارند و نیز واکاوی رویکرد پیوندبخش ائمه (ع) در راستای کارکرد مکملی آنان در کنار قرآن، پذیرش قرائات اهل بیت (ع) را با دشواری رو به رو می‌کند؛ چنان‌که ضرورت سنجش حدیث با قرآن و برهان عقل، کاوشی در رویکرد برخی قرآن‌پژوهان به روایات اهل سنت، جستاری استوار در شیوه نام و کنیه‌گزینی تازیان و سرانجام، نقش حکومت‌ها در دامن زدن به ناسازواری‌های علمی، این دسته از روایات را ناپذیرفتنی‌تر می‌سازد.

ژرفساخت بنیادین آنچه فرارو دارید، گزارش چند و چون این روایات در برخی قرائتنامه‌های شیعه و سنی و نیز بررسی اندازه درستی یا سستی آن‌ها بر اساس سنجه‌های عقلی و نقلی و با پرتو افکنی به گوشه‌ای از تاریخ پر فراز و نشیب فرود آمدن و گردآوری قرآن و فرهنگ زیست تازیان است.

کلمات کلیدی: اختلاف قرائات، امام باقر (ع)، امام صادق (ع)، رواج کنیه میان اعراب.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
دیباچه.....	۱
طرح کلی تحقیق.....	۴

فصل اول: تاریخچه و کلیات علم قرائت

درآمد.....	۷
۱-۱. بیان معنا و مفهوم قرائت.....	۸
۲-۱. هم‌نوا سازی مصاحف در روزگار عثمان.....	۹
۱-۲-۱. شمار نسخه‌های نوشته شده.....	۱۵
۲-۲-۱. ویژگی مصحف عثمانی.....	۱۷
۳-۲-۱. رواج مصاحف عثمانی.....	۱۸
۴-۲-۱. ناهمگونی قرائی مصاحف.....	۲۰
۳-۱. وجوه و انواع اختلاف قرائات.....	۲۲
۴-۱. عصر قاریان قرآن.....	۲۵
۵-۱. دیدگاه قرآن پژوهان درباره تواتر قرائات هفتگانه.....	۲۸
۱-۵-۱. دلایل عدم تواتر قرائات.....	۳۰
۶-۱. معتبرترین قرائت.....	۳۱

فصل دوم: عوامل، آمار و پیامدهای اختلاف قرائات

درآمد.....	۳۳
۱-۲. عوامل پیدایش و گسترش قرائت‌های گوناگون.....	۳۴
۱-۱-۲. بعد زبان شناختی.....	۳۴

- ۳۴ ۱-۱-۱-۲. اختلاف لهجه‌ها.
- ۴۰ ۲-۱-۱-۲. پادرمیانی موالی
- ۴۶ ۱-۲-۱-۱-۲. موالی و پیدایش و گسترش لحن در زبان عربی
- ۴۷ ۲-۱-۲. بعد رسم الخط شناختی
- ۴۷ ۱-۲-۱-۲. نورس و نارسا بودن خط
- ۴۹ ۲-۲-۱-۲. فقدان الف در واژه‌ها
- ۵۰ ۳-۲-۱-۲. فقدان نقطه در حروف
- ۵۱ ۴-۲-۱-۲. فقدان علائم اعرابی در حروف
- ۵۳ ۵-۲-۱-۲. اصلاح شیوه نگارش قرآن
- ۵۴ ۱-۵-۲-۱-۲. اعراب (نقط و شکل)
- ۵۴ ۲-۵-۲-۱-۲. اعجام (نقطه گذاری)
- ۵۷ ۳-۱-۲. بعد انسان شناختی
- ۵۷ ۱-۳-۱-۲. اجتهاد قاریان
- ۶۱ ۲-۳-۱-۲. حدیث «سبعة احرف»
- ۶۳ ۱-۲-۳-۱-۲. نقد تواتر روایت «سبعة احرف»
- ۶۴ ۲-۲-۳-۱-۲. نقد سندی روایت «سبعة احرف»
- ۶۴ ۳-۲-۳-۱-۲. نقد محتوایی حدیث «سبعة احرف»
- ۶۶ ۴-۲-۳-۱-۲. ریشه‌یابی حدیث «سبعة احرف»
- ۷۰ ۲-۲. آمار و شمار تألیفات و اختلافات قرائی
- ۸۲ ۳-۲. پیامدهای حاصل از پدیده اختلاف قرائات
- ۸۲ ۱-۳-۲. پیامدهای درون دینی
- ۸۴ ۲-۳-۲. پیامدهای برون دینی
- ۸۵ ۱-۲-۳-۲. گلدزیهر (Ignaz Goldziher)
- ۸۸ ۲-۲-۳-۲. رژی بلاشر (Regis Blachere)

۹۱ (Arthur Jeffery) آرتور جفری ۳-۲-۳-۲

۹۴ (Theodor Noldeke) تئودور نولدکه ۴-۲-۳-۲

فصل سوم: قرائات ائمه (ع)

۹۸ درآمد

۹۹ ۱-۳. قرائات ائمه (ع) در «مجمع البيان»

۱۰۸ ۱-۱-۳. شمار قرائات هر یک از ائمه (ع) در «مجمع البيان»

۱۰۸ ۲-۳. قرائات ائمه (ع) در «معجم القرائات»

۱۲۲ ۱-۲-۳. شمار قرائات هر یک از ائمه (ع) در «معجم القرائات»

۱۲۳ ۳-۳. جمع بندی نهایی

فصل چهارم: بررسی قرینه های نفی قرائات ائمه (ع)

۱۲۵ درآمد

۱۲۶ ۱-۴. سیمای وحدت آفرین قرآن

۱۲۶ ۱-۱-۴. سیمای یکرنگ درونمایه قرآن

۱۲۶ ۱-۱-۱-۴. سیمای یکرنگ درون مایه قرآن در آینه آیات

۱۲۸ ۲-۱-۱-۴. سیمای یکرنگ درون مایه قرآن در آینه روایات

۱۲۹ ۲-۱-۴. سیمای وحدت آفرین و پیوندبخش قرآن

۱۲۹ ۱-۲-۱-۴. سیمای وحدت آفرین و پیوند بخش قرآن در آینه آیات

۱۳۴ ۲-۲-۱-۴. سیمای وحدت آفرین و پیوندبخش قرآن در آینه روایات

۱۳۶ ۳-۲-۱-۴. سیمای وحدت آفرین و پیوندبخش قرآن در نگاهتهای مورخان و دانشمندان

۱۳۸ ۲-۴. کارکرد ائمه (ع) در مقایسه با قرآن

۱۳۸ ۱-۲-۴. جستاری در حدیث ثقلین

۱۴۱ ۲-۲-۴. وحدت بخشی فروغی از خورشید امامت

۱۴۲ ۳-۲-۴. تلاش امام در تحقق وحدت

- ۱۴۵ ۳-۴. گریزناپذیری سنجش روایات با آیات
- ۱۴۶ ۱-۳-۴. نمونه‌ای از روایات عرض در مامنامه‌های شیعی
- ۱۴۷ ۲-۳-۴. نمونه‌ای از روایات عرض در حدیثنامه‌های اهل سنت
- ۱۴۸ ۳-۳-۴. مفهوم موافقت یا مخالفت با کتاب خدا
- ۱۵۰ ۴-۳-۴. روایات قرائی در ترازوی نقل و عقل
- ۱۵۰ ۱-۴-۳-۴. تعارض روایات قرائی با قرآن
- ۱۵۱ ۲-۴-۳-۴. تعارض روایات قرائی با احادیث امامین صادقین (ع)
- ۱۵۱ ۳-۴-۳-۴. تعارض روایات قرائی با عقل
- ۱۵۳ ۴-۴. نگاهی به فرهنگ تازیان در گزینش نام و کنیه
- ۱۵۳ ۱-۴-۴. «کنیه»، آئینی عربی اسلامی
- ۱۵۵ ۲-۴-۴. دشواری‌های برآمده از شیوه عرب در زمینه نام گذاری
- ۱۵۷ ۳-۴-۴. دشواری‌های برآمده از شیوه عرب در زمینه کنیه گذاری
- ۱۵۷ ۱-۳-۴-۴. همسانی دو یا چند نفر در یک کنیه
- ۱۵۷ ۲-۳-۴-۴. کنیه‌های غالبی
- ۱۵۸ ۳-۳-۴-۴. یک شخص و چند کنیه
- ۱۵۸ ۴-۳-۴-۴. سایه افکنی کنیه، نهان ماندن نام
- ۱۵۹ ۴-۴-۴. لغزش محققان، پیامد دشواری‌های برخاسته از فرهنگ عرب
- ۱۶۳ ۵-۴. رویکرد طبرسی به روایات اهل سنت
- ۱۶۷ ۶-۴. نقش حکومت‌ها در دامن زدن یا خاموش گزاردن قیل و قال‌های علمی و مدرسه‌ای
- ۱۶۷ ۱-۶-۴. نمونه‌های پادرمیانی خلفا در امور علمی - فرهنگی
- ۱۷۳ ۲-۶-۴. انگیزه‌های سیاسی خلفا از پادرمیانی در امور علمی - فرهنگی
- ۱۷۷ **برآیند پژوهش**
- ۱۷۹ **کتابنامه**

دیباچه

پیش از آن که نور والای وحی، سایبان تشریف خود را بر سر واژگان گسترد و بر جان و دل مردی آسمان تبار، تابیدن آغازد، تا از چشمه لعل او بر چکاد عقل و بینش بشریت بنشیند و دل‌های غبارآلود و تیره آنان را به آفتاب حقیقت روشنا بخشد، «مردم در فتنه‌ها گرفتار شده، رشته‌های دین پاره شده و ستون‌های ایمان و یقین ناپایدار بود، آنان حیران و سرگردان، بی‌خبر و فریب‌خورده در کنار بهترین خانه (کعبه) و بدترین همسایگان (بت پرستان) زندگی می‌کردند، خوابشان بیداری و سرمه چشمشان اشک بود؛ در سرزمینی که دانشمند آن لب فرو بسته و جاهل، گرامی بود.»^۱

در این روزگار ظلمانی، خورشیدی زمینی بر تارک جهل و تیرگی، سپیده ایمان و انسانیت را گشود و «با نوری که «قرآن» نام گرفت، هدایت‌گر انسان‌ها شد؛ همان ریسمان محکم الهی که تشنگی را فرو نشانَد، تکرار و شنیدن پیاپی آیات، کهنه‌اش نسازد و گوش از شنیدن آن خسته نشود. برکات و خیراتش چونان سرزمین‌های پر گیاه بهاران، فراوان است و چراغ‌های روشنی بخش تاریکی‌ها، بسیار دارد.»^۲ ... اما:

این شرح بی‌نهایت کز زلف یار گفتند حرفیست از هزاران کاندرا عبارت آمد^۳

محمد (ص) مأمور بود که از خورشید پرفروغ قرآن، پرتو به پرتو بگیرد و بر جان آدمی بتاباند بی آنکه ذره‌ای بکاهد یا بیفزاید که «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ»^۴. تکلیف او واژه به واژه و آیه به آیه بر یاران خواندن بود و سعی آنان، به گوش سر و جان شنیدن و نیوشیدن، فراگرفتن و عمل کردن، از بر کردن و بازخواندن و سرانجام به شیواترین شکل، تلاوت نمودن و به دیگران آموختن.

این شد که فن «قرائت» ظهور یافت، پیش از آنکه به سیمای یک دانش گسترده و مستقل در آید و پیش از آنکه دیگر مهارت‌ها و دانش‌های رنگارنگ وابسته به قرآن همچون نحو و اعراب و تفسیر و... که همه گرداگرد مدار قرآن و به دنبال گشودن گره یا حل مسئله‌ای اندک اندک شکل گرفتند، پدید آیند.

خواندن قرآن در روزها و سال‌های نخست فرود آمدن و به برکت وجود رسول خدا (ص) با شور و شوقی بی‌شبیبه و بدون نیاز به نشانه‌های خوانش، به سهولت صورت می‌گرفت؛ ولی پس از کوچ

^۱ نهج البلاغه، خطبه ۱، ترجمه محمد دشتی.

^۲ همان، خطبه ۱۵۸، ۱۵۶ و ۱۵۲.

^۳ حافظا.

^۴ سوره نجم، آیه ۳ و ۴؛ و از سر هوس سخن نمی‌گوید. این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست. (ترجمه محمد مهدی فولادوند).

حضرتش و به دلایل گوناگونی که گفته خواهد آمد، رفته رفته با دشواری رو به رو شد؛ گاه واژه‌ای بر زبان کسی به گونه‌ای بیان می‌شد که همان واژه در دهان دیگری، دیگرگون می‌چرخید و سبب بروز مشاجره‌های لفظی میان مسلمانان می‌شد؛ هر چه از روزهای ارتحال پیامبر (ص) بیشتر می‌گذشت، دامنه‌ی واژگان مورد اختلاف، گسترده‌تر و آتش نزاع و جدال، شعله‌ورتر می‌شد؛ هر صحابی نامدار، قرائتی را برگزیده و پیروانی پیرامون خود گرد آورده بود.

بدین ترتیب پای پدیده‌ای نافرخته به نام «اختلاف قرائات» به اسلام و میان مسلمانان باز شد. و قرآنی که وعده یکدلی و یکرنگی داده بود، اینک خود دستمایه‌ی دوری و درگیری تا سرحد تکفیر و شمشیر قرار گرفت، زیرا قرائت‌های ناهمسان، نه فقط اختلافات ظاهری بود، که گاهی - گرچه دشواریاب - ناهمخوانی در معنا و برداشت آیه را نیز در بر داشت. افزون بر همه‌ی اختلافاتی که ناسازگاری‌های قرائی در درازنای تاریخ، میان دینمداران بر جای گذاشت، باب خرده‌گیری و طعن‌زنی بیگانگان را هم نسبت به دین اسلام و معجزه‌ی جاویدش - قرآن - گشود و اینگونه آنان قرآن را به نقص و کاستی و «تحریف» متهم ساختند.

بسی دور از باور و انتظار است که در این میان، سهمی هم از اختلاف قرائت‌ها به پاکترین پیشوایان دین که خود همچون قرآن، درفش پیوند بخشی و وحدت آفرینی افراشته‌اند، داده شده است. در این نبش‌تار به دنبال «نفی قرائات ائمه (ع)» قلم می‌زنیم و از رهگذر چهار فصل زیر، برای اثبات این فرضیه می‌کوشیم:

در فصل نخست به کلیاتی از علم قرائت و تاریخچه‌ی پر غوغای آن، اشارتی خواهیم داشت.

در دومین فصل، عوامل زمینه‌ساز قرائات را به طور کامل خواهیم شکافت، ضمن اینکه در راستای هر چه روشن‌تر کردن اهمیت و حساسیت اختلاف قرائات، به آمار ناهمگونی‌های قرائی، شمار پرشمار نگاشته‌های قرائت و پیامدهای برآمده از اختلاف قرائت‌ها نیز خواهیم پرداخت.

سومین فصل این پژوهش، در جستجوی قرائاتی است که به اهل بیت (ع) نسبت داده شده است. دو کتاب جامع «مجمع البیان» طبرسی و «معجم القرائات» عبداللطیف خطیب، محور این بررسی است.

فصل بازپسین و بایسته‌ی این گفتار، بررسی قرینه‌هایی است که تصویر و تصور قرائات ائمه (ع) را در افقی فراتر از ستیغ باور و انتظار فرا می‌نماید؛ و از رهگذر مجموع این نشانه‌ها، مردود بودن این دسته از روایات را آشکار و گوشزد می‌کند.

بدین سان کوشش‌ها و کوشش‌های این قلم، همه در پی پالایش لکۀ دروغینی است که بر دامن پاک پیشوایان زلالین و هادیان راستین، به ناحق و ناگوارانه بر بسته‌اند.

از اینکه گفتارم به نام ستودۀ ثقلین - قرآن و اهل بیت (ع) - عطراگین و آراسته است به خود بالیده و یکتا خالقم را ثناگو و سپاسگزارم، گرچه خود پیشتر و بیشتر از همه آگاهم که به رغم تلاشم در سره-گویی و سرهنویسی، تکاپوی شوریده‌ام چنان که باید سزاوار ساحت لطیف دوست نیست و از کاستی‌ها و نقص‌ها سرشار است چه «در کم خردی از همه عالم بیشم»^۱. لیک امید آن دارم که خداوند منان و امامان تابانم، این کوشش کمترین را در آستان احسان و رحمت بی بدیل خود مهرمنشانه پذیرا باشند.

^۱. حافظ

طرح کلی تحقیق

موضوع تحقیق:

با آنکه تصویر قرآن از خودش، تصویر یک منادی وحدت و پیوند دهنده جامعه اسلامی و انسانی است، برخی حاشیه‌ها از سوی مسلمانان درباره این کتاب آسمانی ایجاد شده است که آن را دستمایه اختلاف و حتی درگیری کرده است، یکی از این حاشیه‌های ناگوار که مباحثی تلخ و تند را درباره قرآن برانگیخته است، بحث تعدد و تنوع قرائات و اختلاف آن‌ها است. آنچه در این میان بیش از پادرمیانی قاریان متعدد در این اختلافات، شگفت‌انگیز می‌نماید، روایاتی است که امامان شیعه - به ویژه امام باقر (ع) و امام صادق (ع) - را نیز در چنین پدیده‌ای درگیر و دست‌اندر کار نشان می‌دهند. بررسی اندازه‌درستی و یا سستی این روایات، محور اصلی این پایان‌نامه است.

زمینه، سابقه و تاریخچه موضوع تحقیق:

درباره اختلاف قرائات، تاریخ، تحولات و قاریان و دست‌اندرکاران این علم، کتاب‌های بسیار و پرشماری نوشته شده است و حتی تفاسیر جامعی چون مجمع‌البیان در بحث‌هایی با عنوان «القرائة» هم به آن‌ها و هم به مستندسازی آن‌ها با عنوان «الحجة» پرداخته‌اند. اما آنچه محور اصلی این پایان‌نامه است، گشودن زاویه‌ای نو و پرونده‌ای نوین یعنی تأیید یا تکذیب یا تعدیل نقش تنی چند از امامان شیعه در حجیم شدن علم قرائات است؛ چنین رویکردی در علم قرائات، نو و بدون پیشینه است.

اهداف تحقیق:

- ۱- پرتو افکنی به گوشه‌ای از تاریخ،
- ۲- نقش ائمه (ع) در ایجاد یگانگی میان مسلمانان،
- ۳- تأثیر فرهنگ زیست اجتماعی اعراب در نسبت دادن‌های ناروای برخی به این و آن،
- ۴- نشان دادن مخاطره آمیز بودن نقش فرهنگ شنیداری در انتقال دانش‌ها.

اهمیت و ارزش تحقیق با تأکید بر کاربرد نتایج آن:

اهمیت این پایان نامه از یک سو به جایگاه قرآن در جهت‌دهی به زندگی مسلمانان و از سوی دیگر به نقش مکمل اهل بیت (ع) در همان جهت باز می‌گردد، تأکید بر اینکه نه قرآن کریم و نه پیشوایان شیعه نمی‌توانند با رویکردهای اختلاف برانگیز و غوغا سالار کنار بیایند، بیانگر اهمیت موضوع این پایان‌نامه است، چنانکه اهمیت دیگر این پایان‌نامه در تأکیدی است که بر لزوم احتیاط در علوم نقلی و دانش‌های سینه به سینه دارد؛ نتیجه‌ای که برای همه پژوهشگران علوم اسلامی در حوزه و دانشگاه، حیاتی و کارآمد است.

فرضیه یا سؤال‌های ویژه:

- ۱- فرهنگ ویژه تازیان در نامگذاری فرزندان خود - به ویژه رواج فرهنگ کنیه - گذاری - یکی از محورهای لغزش آفرین در اسناد آراء و اقوال به این و آن بوده است.
- ۲- پادرمیانی امامان شیعه در دامن زدن به اختلاف قرائات، نه با روح حاکم بر قرآن و نه با رویکرد آن بزرگواران، همخوانی ندارد.

روش انجام تحقیق:

این تحقیق و بررسی با استفاده از ابزارهایی چون کتب و مقالات و داده‌های اطلاعاتی متمرکز در کتابخانه‌ها و پس از مطالعه و فیش برداری‌های لازم، مبتنی بر تحلیل و توصیف انجام خواهد گرفت.

فصل اول

تاریخچه و کلیات علم قرأت

در آمد

فرود آمدن پاره‌های ریز و درشت قرآن، تکان‌ها و تکاپوهایی خرد و کلان را در پیوند با آن کلام و حیانی برانگیخت، که سرآمدشان تدوین، قرائت و تفسیر قرآن و نخستینشان «قرائت» بود. قرائت پیش از آنکه در شمار علوم بگنجد، یک مهارت مهم و ستودنی به حساب می‌آمد و بدین روی، از همان اولین روزهای نزول قرآن، پاره‌ای از نومسلمانان به قرائت و تلاوت آن همت گماشته و افزون بر آن، بار سنگین اما شیرین آموزش و تعلیم آن را به دوش می‌کشیدند.

بازخوانی تاریخ نخستین تکاپوها و دگرگونی‌های برآمده از قرآن که چونان آغازین سروش پیک وحی و اولین دعوت روشنگرانه‌اش «اقْرَأْ»^۱، «قرائت» نام گرفت، به آن میزان بایا می‌نماید که یک فصل از اوراق این نبشتار را به خود اختصاص دهد، ضمن آنکه هر قلمی که در اندیشه کشف حقیقت یا گشودن گره یا حل شبهه‌ای مجذانه و مجاهدانه می‌فرساید و سطوری تسوید می‌کند، بی‌نیاز از بازکاوی پیشینه و تاریخچه آن مسئله نیست، اگرچه به تکرارگویی و ملال‌آوری متهم گردد!

بدین بهانه در این گام نخست پژوهشمان، پس از تعریف علم قرائت، دریچه‌ای به روی تاریخ پر زیر و بم قرائت قرآن، اختلاف قرائت‌ها و شدت و انواع آن و مصاحف نامدار و ناهمسازی‌شان خواهیم گشود و از آن جا که قرائت، پیوندی ناگسستنی با نگارش و گردآوری قرآن دارد، نگاهی هم به جمع قرآن در روزگار عثمان که به «توحید مصاحف» آوازه گرفت، خواهیم داشت و سپس برگی از تاریخ عصر قاریان و اقدام جاودانه ابن مجاهد در گزینش قراء سبعة را ورق خواهیم زد و در صفحات پایانی این فصل، به یادکرد شماری از گفته‌های گونه‌گون اندیشمندان قرآن‌پژوه، در مورد تواتر یا عدم تواتر قرائت و نیز معتبرترین قرائت خواهیم پرداخت.

^۱. سوره علق، آیه ۱

۱-۱. بیان معنا و مفهوم قرائت

دانشمندان و پژوهشگران علوم قرآنی از سال‌ها و سده‌های پیش تاکنون هر یک به فراخور درک و نوع نگاه خود به امر قرائت، تعریفی خاص از آن ارائه داده‌اند:

دمیاطی می‌نویسد: «قرائات عبارت از علمی است که از رهگذر آن اتفاق نظر و یا اختلاف ناقلین کتاب خدا - در رابطه با حذف و اثبات و متحرک خواندن و ساکن کردن و فصل و وصل حروف و کلمات و امثال آن‌ها، از قبیل کیفیت تلفظ و ابدال و... - از طریق شنیدن، قابل شناسایی است.»^۱

بدرالدین زرکشی قرائات را بدین صورت معرفی می‌کند: «قرائات عبارت از اختلاف مربوط به «الفاظ» وحی از لحاظ حروف و کلمات و کیفیت اداء آن‌ها - از حیث مشدد یا مخفف خواندن و امثال آن‌ها - است که از سوی قاریان روایت شده است.»^۲

ابن جزری در تعریف قرائات گفته است: «قرائات عبارت از علم به کیفیت اداء کلمات قرآن و اختلاف این کیفیت می‌باشد، اختلافی که به ناقل و راوی آن منسوب است.»^۳

معرفت می‌گوید:

«قرائت همان تلاوت و خواندن قرآن کریم است و اصطلاحاً به گونه‌ای از تلاوت قرآن اطلاق می‌شود که دارای ویژگی‌های خاصی است. بدین معنا که هرگاه تلاوت قرآن به گونه‌ای باشد که از نص وحی الهی حکایت کند و برحسب اجتهاد یکی از قراء معروف - بر پایه و اصول مضبوطی که در علم قرائت شرط شده - استوار باشد، قرائت قرآن تحقق یافته است. البته قرآن دارای نص واحدی است و اختلاف میان قراء بر سر به دست آوردن و رسیدن به آن نص واحد است.»^۴

حجتی نیز درباره معنای قرائات می‌نویسد:

«تعریف نسبتاً کامل برای قرائت عبارت از طرق و روایات قرآنی است که با اسناد به ثبوت رسیده تا عمل بدان لازم الاتباع باشد، و آلا هر طریقی که در تلاوت و رسم‌الخط قرآن به کار رود با توجه به اینکه نتوانیم اسناد و نقل و روایتی برای آن‌ها بیابیم، نمی‌تواند معنی اصطلاحی قرائت باشد و قاطبۀ علمای اسلامی اعم از شیعه و سنی در این امر متفق‌اند. بنابراین روایت و نقل و اسناد از اجزاء معتبر در تعریف قرائات خواهد بود اعم از اینکه روایت: متواتر، آحاد، شاذ و یا موضوع باشد.»^۵

نویسنده کتاب «مقدمات فی علم القرائات» می‌گوید:

«موضوع این علم، کلمات قرآن از حیث حالت نطق و کیفیت اداء آن و نیز استمدادش از روایات صحیحه

^۱ اتحاف فضلاء البشر، دمیاطی، احمد بن محمد بن عبدالغنی، بیروت: دار الکتب العلمیة، بی‌جا، ۱۴۲۲ق-۲۰۰۱م، ص ۶.

^۲ البرهان فی علوم القرآن، زرکشی، محمد بن عبدالله، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول، ۱۴۱۰ق-۱۹۹۰م، ج ۱، ص ۴۶۵.

^۳ مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، فضلی، عبدالهادی، ترجمه: سید محمد باقر حجتی، تهران: قم: انتشارات اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۸۸ش، ص ۷۹، به نقل از: منجد المقرئین، ص ۳.

^۴ علوم قرآنی، معرفت، محمد هادی، تهران: سمت، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید، چاپ چهارم، ۱۳۸۶ش، ص ۱۲.

^۵ پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، حجتی، سید محمد باقر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۷ص ۲۵۰.

متواتره است که از دانشمندان قرائت - که آن را به پیامبر اکرم (ص) می‌رسانند - به دست می‌آید.^۱

بدین ترتیب درمی‌یابیم که قرائت سنتی است که اصحاب و یاران پیامبر (ص) آن را از ایشان روایت کرده و به تابعین منتقل ساخته‌اند و آن‌ها نیز نسل به نسل و در طول قرون به دیگران انتقال داده‌اند، بنابراین پایه و اساس هر قرائتی، روایات نبی‌اکرم (ص) و یا نقل قرائتی است که اصحاب در حضور ایشان داشته‌اند و مورد تأیید و تقریر آن حضرت قرار گرفته است.

بر این اساس می‌توان گفت: قرائت از لحاظ شأن و موقعیت همانند حدیث است و بسان حدیث دارای قواعد و ضوابطی است چون یگانه مأخذ و منبع آن را سنت و حدیث تشکیل می‌دهد.^۲

ابوعمر و عثمان بن صلاح گفته است:

«باید نقل قرائتی که بدان عمل می‌شود، از رسول خدا (ص) به عنوان قرآن، متواتر یا مستفیض باشد.»^۳

گلدزیهر می‌گوید:

«صحت هیچ قرائتی مورد تأیید و اعتراف قرار نمی‌گیرد، و هیچ قرائتی در دایره تعبیر قرآنی راه نمی‌یابد - تعبیری که دارای اعجاز است و مردم را به مقابله و معارضه دعوت می‌کند - مگر آنکه بتوان آن را به ادله‌ی روائی که قابل وثوق و مورد اطمینان است، مستند ساخت.»^۴

گاهی قرائت به صورت یک «لفظ» و یک وجه روایت می‌شود که «متفق علیه بین القراء» خوانده می‌شود، چنان که گاهی هم با بیش از یک وجه روایت می‌شود که «مختلف فیه بین القراء» نام دارد.^۵

۱-۲. هم‌نوا سازی مصاحف در روزگار عثمان

«عثمان در آغاز سال بیست و چهارم هجری خلافت را عهده‌دار شد. در آن سال‌ها فتوحات اسلام روی به پیش داشت؛ هرروز هزاران تن روی به اسلام می‌آوردند و شهری تازه گشوده می‌شد و طبیعی بود که نخستین نیاز نومسلمان‌ها دانستن قرآن باشد.

اسلام با تمدن‌ها و ادیان تازه‌ای رو به رو گشته بود و ملل مختلفی هر یک با آداب و رسوم خاص خود به اسلام رو کرده بودند. مسلمانان نیز در شهرها و ممالک تازه‌ای متفرق شدند و نشر دعوت اسلامی را بر دوش کشیدند. مردم نومسلمان با عادات کهنه خود، نسل تازه جوان بدون بصیرت با تمدنی تازه و به خصوص با قرآن و تعلیمات آن رو به رو بودند. باید قرآن را می‌آموختند و نماز می‌خواندند. اما زبانشان

^۱ مقدمات فی علم القرائات، محمد احمد مفلح القضاة، احمد خالد شكري، محمدخالد منصور، عمان: دار عمار، چاپ اول، ۱۴۲۲ق-۲۰۰۱م، ص ۵۰.

^۲ بنگرید به: مقدمه‌ای بر تاریخ قرائات قرآن کریم، ص ۱۰۱.

^۳ همان، ص ۱۰۳ و ۱۰۴، به نقل از: النشر، ج ۱، ص ۳۸.

^۴ همان، ص ۱۰۴، به نقل از: مذاهب التفسیر الاسلامی، ص ۵۵.

^۵ همان، ص ۸۱؛ نیز بنگرید به: المقنع، دانی، ابوعمر و عثمان بن سعید، تحقیق: محمد احمد دهمان، بیروت: دار الفکر، بی‌چا، ۱۴۰۳ق، ص ۲.